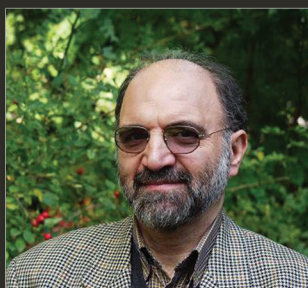


رهبری انقلاب و جنگ احزاب منحرفان

مهدی علیرضایی





مقدمه

رهبر معظم انقلاب در سلسله آن عالمان بزرگ تاریخ تشیع قرار دارد که هرگز در مقابل انحرافات و فتنه‌های عصر خود ساکت ننشست. نگاهی به مبارزات و موضع‌گیری‌های ایشان در مقاطع حساس، گویای حضور بجا و به موقع او در ظهور بدعت‌هاست.

فهرست کردن مواضع رهبر در برابر بدعت‌ها و انحرافات، حجمی گسترده از یک نوشتار را در برمی‌گیرد. تنها با رصد سخنرانی‌ها و مواضع رهبری در هشت سال حاکمیت به اصطلاح اصلاح‌طلبان بر بخش‌های کلیدی نظام، می‌توان به وجود پربرتکت این مرد پی برد که چگونه در مقابل سیل بنیان‌برافکن انحرافات در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی ایستادگی نمود. پدیده انقلاب اسلامی ایران که بهمن ۱۳۵۷ با رهبری حضرت امام خمینی رحمه‌الله به پیروزی انجامید و موجب استقرار نظام جمهوری اسلامی در گستره پهناور کشور ایران شد، خاری در چشمان ابرقدرت شرق و غرب بود. آن‌ها از همان ابتدا تلاش در انحراف و سرنگونی آن داشتند و سعی کردند با به کارگیری همه امکانات، انقلاب را از مسیر اصلی خود خارج کرده و آن را از پای درآورند، اما درایت، هوشمندی و تدابیر حضرت امام آن‌ها را ناکام و مأیوس کرد.

دشمنان نظام اسلامی ایران معتقد بودند که امام رحمه‌الله به عنوان رهبری که دارای قدرت کارزماتیک و توان نفوذ ویژه است، توانسته این نظام را در مقابل همه انحراف‌ها هدایت کند؛ لذا اداره نظام و انقلاب و حل بحران‌های آن امری است که اختصاص به امام دارد. بنابراین آن‌ها لحظه‌شماری می‌کردند که با ارتحال حضرت امام، نقشه‌های شوم خود را اجرا

کنند؛ لذا بعد از فوت حضرت امام رحمه‌الله، حملات و توطئه‌های خود را تشدید کرده و سعی در ایجاد زاویه در مسیر اصلی انقلاب داشتند.

بی‌شک یکی از بزرگ‌ترین انحرافات که می‌رفت انقلاب را از ریل اصلی آن خارج سازد، انحراف از خط اصیل امام و انقلاب بود. اوج این انحراف را می‌توان در فتنه سال ۸۸ یافت. مجموعه‌ای از علل و عوامل گوناگون موجب شد تا مجموعه‌ای از منحرفان داخل و خارج از کشور گردهم آیند و انحرافی بزرگ را شکل دهند. اما مقام معظم رهبری همانند مقتدای خود امام راحل رحمه‌الله، در برابر آن ایستادگی کردند و در میان امواج پرتلاطم توطئه‌های دشمنان، کشتی انقلاب را به ساحل سلامت هدایت کردند.

اصولاً مدیریت بحران و بصیرت‌افزایی در مقابله با انحرافات، از ویژگی‌های امام راحل و پس از آن مقام معظم رهبری است.

تلاش دشمنان در ایجاد انحراف

دشمنان انقلاب اسلامی با تمام امکانات داخلی و خارجی خود، درصدد براندازی این نظام نوپا برآمده بودند. آن‌ها پس از شکست و ناکامی به این نتیجه رسیدند تا زمانی که حضرت امام خمینی رحمه‌الله در رأس این نظام قرار دارد، هیچ خللی به آن نمی‌توانند وارد کنند، به همین دلیل همه امید و تلاش دشمن برای براندازی نظام جمهوری اسلامی، به ارتحال بنیان‌گذار آن بود. وقتی در خرداد ۱۳۳۸ آن عزیز به ندای حق لبیک گفت و به دیار باقی شتافت، انتظار دشمنان به سر آمد و مسائلی از قبیل فقدان رهبری در جامعه، شرایط مبهم و ناپایدار امنیتی در مرزها، وضعیت آسیب‌پذیر امنیت داخلی و نیز شوک شدید که به واسطه ارتحال

اشاره:

رویارویی و مقابله عالمانه و بموقع رهبری معظم انقلاب در رویدادهای بزرگ، در طول حیات طویه این بزرگمرد برکسی پوشیده نیست و از ویژگی‌های این عالم فرزانه به شمار می‌رود. نویسنده با محور قرار دادن فتنه سال ۸۸ به عنوان «انحراف بزرگ»، با استناد به برخی از فرمایش‌های امیرمؤمنان علیه السلام به واکاوی ریشه‌های انحراف سران فتنه اشاره دارد و از فتنه سال ۸۸ با عنوان «تجمع بزرگ منحرفان» یاد می‌کند که تنها مدیریت پیامبرگونه رهبری انقلاب توانست آنان را در تلاش برای منحرف کردن قطار انقلاب از ریل اصلی، باز دارد.

ایران و بالاخره دوران پر آشوب حاکمیت اصلاح‌طلبان که به چالشی دامنه‌دار برای نظام اسلامی بدل شد و خود به تنهایی بستر تکنون بحران‌ها و رویدادهای بسیار تلخ و ملال‌آور در طول یک دهه گردید. همچنین بحران فتنه ۷۶ و ۸۸ که دشمنان با تمام قوای داخلی و خارجی و هماهنگی‌های لازم، بر نابودی نظام کمر همت بسته بودند.

با نگاهی به همه این بحران‌ها، به خوبی به ریشه‌های انحراف برمی‌خوریم که موجب انحراف برخی در درون نظام شد. نقش رهبری در ناکام گذاشتن توطئه‌های دشمنان و مایوس کردن آن‌ها در روزهای آشوب و دلهره، بسیار تعیین‌کننده بود. ایشان با مدیریت حکیمانه خود، دل‌های نگران و مضطرب را به شکل هنرمندانه‌ای به ساحل امن هدایت کردند و با دمیدن مجدد روح نشاط و شادابی و امید در جان افسرده مردمی که با ارتحال امام علیه السلام، روح و توان خویش را کاملاً از دست رفته می‌دیدند، همچون دم مسیحایی، اقتدار و توان مدیریتی خود را مانند مقتدای خود حضرت امام خمینی علیه السلام به زیبایی تمام، برای دنیا به تصویر کشاندند و نظام جمهوری اسلامی را در مقابل هر گونه انحراف مصون داشتند و آن را یک نظام مقتدر، عزتمند و سربلند در میان ملل جهان تبیین و تثبیت کردند.

فتنه ۸۸ سرآمد انحرافات و بحران‌ها

بدون تردید جریان انتخابات دهم ریاست جمهوری و حوادث بعد از آن که سال ۱۳۸۸ اتفاق افتاد و به فتنه ۸۸ معروف شد را می‌توان پیچیده‌ترین بحرانی نامید که ریشه در انحراف بسیاری داشت که به دروغ خود را مدافع انقلاب و نظام می‌نامیدند. هر چند این حوادث در ظاهر با انتخابات ریاست جمهوری دهم همزمان



**دشمنان نظام اسلامی
ایران معتقد بودند
که امام علیه السلام به عنوان
رهبری که دارای قدرت
کاریزماتیک و توان نفوذ
ویژه است، توانسته این
نظام را در مقابل همه
انحراف‌ها هدایت کند؛ لذا
اداره نظام و انقلاب و
حل بحران‌های آن امری
است که اختصاص به
امام دارد. بنابراین آن‌ها
لحظه‌شماری می‌کردند که
با ارتحال حضرت امام،
نقشه‌های شوم خود را
اجرا کنند.**



حضرت امام خمینی علیه السلام بر مردم وارد شده بود، زمینه‌ای مساعد برای آغاز تحریکات و تحركات خبث‌آلود دشمن مهیا کرده بود. آن‌ها همه چیز را تمام شده می‌دیدند. مقام معظم رهبری دقیقاً چند روز بعد از ارتحال حضرت امام علیه السلام، باطن خبیث دشمنان را بر ملا می‌کند و می‌فرماید:

«در روز اول فقدان امام، پیش‌بینی کردند که همه چیز تمام شد... دشمنان ما امید داشتند که شاید از گوشه و کنار قضایا و یا اظهارات و موضع‌گیری‌های داخلی چیزی را احساس کنند تا بتوانند براساس آن بگویند انقلاب راه جهت‌گیری‌اش را عوض کرده است، بحمدالله از امیدی که بسته بودند، مأیوس شدند و در این روزها اخبار، خبرگزاری‌ها و اظهارات مقامات سیاسی قدرت‌های استکباری، کاملاً منعکس‌کننده این یأس است.»^۱

ظهور انحرافات و ایجاد بحران‌ها

جمهوری اسلامی در دوران زعامت حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله)، آکنده از بحران‌ها و ظهور انحرافات و حوادث بزرگ بسیار مهم و سرنوشت‌سازی بوده است که هر یک از آن‌ها به تنهایی قادر بود یک نظام قدیمی و با ریشه‌های بسیار عمیق را از جای برکنند و آن را به موزه تاریخ بسپارد.

دشمنان انقلاب اسلامی حوادثی همچون ارتحال امام خمینی علیه السلام که در سخت‌ترین شرایط امنیتی و بعد از جنگ اتفاق افتاد را یک فرصت استثنایی برای نابودی جمهوری اسلامی می‌دانستند و آن را یک نقطه عطف در تاریخ مبارزات خود علیه انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌آوردند. یا فتنه‌های بزرگی نظیر جنگ اول خلیج فارس که در آغاز مسئولیت رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رخ داد، یا واقعه میکونوس و بحران در روابط خارجی



﴿عَلَيْهِ﴾ است که می‌فرمایند: «شروع فتنه از جایی است که از هوای نفس پیروی شود و بدعت‌هایی مورد توجه قرار گیرد.» در این جریان نیز بسیاری از افراد که مردم آن‌ها را به تقوا می‌شناختند و به عنوان الگوی مبارزه با نفس، سرمشق خود قرار داده بودند، متأسفانه از هوای نفس پیروی کرده و در این توفان توطئه، مقتدای خود را تنها گذاردند. حتی برخی از ارزش‌های دین مبین اسلام و انقلاب اسلامی که امام و شهدا پایه‌های آن را در این نهضت مستحکم کرده و با نثار خون خود و فرزندان‌شان آن را آبیاری می‌کردند، مورد هتک قرار گرفت و حتی برخی بدعت‌ها گذارده شد.

در حقیقت فتنه‌ای که رهبری از آن یاد می‌کردند، ریشه در انحرافی داشت که آنان از مسیر نورانی اسلام و انقلاب پیدا کرده بودند. انحراف‌هایی که متأثر از رها کردن منابع اصیل اسلام، مطالعه کتب الحادی و

منحرفان به ظاهر «مصلح» برای جامعه شناخته شدند.

در فتنه ۸۸ برای اولین بار بود که برخی از گروه‌ها و جریان‌ات سیاسی، شخصیت‌های شناخته شده کشور که تا آن روز چهره‌ای موجّه در افکار عمومی ایران و حتی جهان داشتند، با ورود و اظهار موضع و یا سکوت نسبت به این فتنه، نمای دیگری از خود در اذهان توده جامعه برجای گذاشتند.

در چنین بستری بسیاری از واقعیت‌های مکتوم آشکار شد، برخی اعتقادات رنگ باخت و باورهای زیادی از نو ساخته شد و در بعضی از تحلیل‌ها نسبت به افراد و گروه‌ها و مجموعه‌ها، تجدیدنظر و حتی بازسازی شد. حتی برخی شک‌ها و گمانه‌ها تبدیل به یقین و باور جدید شد. مقام معظم رهبری در کلام خود، از این توطئه تعبیر به فتنه کردند. این تعبیر مبتنی بر همان کلام معروف حضرت امیرالمؤمنین

شده بود، اما در واقع این بحران نتیجه تلاش‌های براندازانه‌ای بود که دشمنان نظام اسلامی طی این سه دهه حاکمیت جمهوری اسلامی تدارک دیده و با کمک منحرفین تا به این نقطه رسانده بودند. آن‌ها از زمان پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر تلاش‌هایی که برای شکست نهضت اسلامی قبل از بهمن ۵۷ داشتند، از هر گونه توطئه و ایجاد انحراف در مسیر انقلاب فروگذار نبودند، زیرا آن‌ها تنها مانع اصلی خود در تسلط بر منطقه استراتژیک خاورمیانه و دنیای اسلام را جمهوری اسلامی می‌دانستند.

اهمیت این جریان انحرافی از این جهت است که این فتنه سرآمد و نتیجه تمامی توطئه‌ها و تلاش‌های دشمن از اول انقلاب بود. به واسطه این حرکت، خیلی از ظرفیت‌ها و واقعیت‌های جمهوری اسلامی و شخصیت‌ها محک خوردند و مورد آزمون قرار گرفتند و انحراف و

کنند، سرمست از غرور و غور شدن در خودبینی‌ها و خودرأیی‌ها، گمان می‌کردند که مردم در تشخیص حق از باطل به افراد نگاه می‌کنند و پیشینه برخی را ملاک در تشخیص حق از باطل برمی‌شمارند؛ بی‌توجه به این مسئله که رهبری معظم انقلاب جامعه را به سوی نگاه کردن به ملاک‌های حق دعوت می‌کنند و مردم به این دعوت لبیک می‌گویند و همین مسئله موجب می‌شود که مردم در مسیر حق باقی بمانند و خواص ریزش کنند.

متأسفانه اوضاع غبارگرفته بعد از انتخابات، موجب شد عده‌ای مسیر را گم کنند و منازعات سنگینی در درون جامعه شکل بگیرد. از طرفی وجود تفکر غلط در جریان فتنه برای استفاده از ظرفیت‌های دشمن، به ویژه ظرفیت‌های انبوه رسانه‌ای، موجب غفلت از دشمن و اهداف او شد. این مسئله موقعیت استثنایی در اختیار جریان ضدانقلاب خارج و داخل قرار داد تا با فضا سازی‌های گسترده و رسانه‌ای سنگین و دروغ‌گویی، تهمت‌زنی و ایجاد جنگ روانی، شرایط به وجود آمده را مبهم‌تر و غبارآلودگی واقعیت‌ها را بیشتر کند.

در این بین عدم تبری سران جریان فتنه از دشمن و رسانه‌های ماهواره‌ای آن‌ها مانند بی.بی.سی فارسی، موقعیت مهمی در اختیار آن‌ها قرار داده بود تا در بخش‌هایی از جامعه و مردم کسب اعتبار و اعتماد کنند. این عدم مرزبندی به ویژه خواص با دشمن، موجب پیچیدگی فتنه شد. در چنین شرایطی، هدایت جامعه و نظام قدری سخت بود.

شاید بتوان گفت فتنه سال ۸۸ مرحله‌ای از فعالیت دشمنان بود که توانسته بودند با ایجاد انحراف‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جنگی شرایطی را ایجاد کنند که همه منحرفان گرد هم شوند و ضربه کاری به نظام اسلامی وارد کنند، اما مقام معظم رهبری این بحران را هم به آرامی و با کمک مردم مدیریت و توطئه‌های دشمنان را خنثی کردند.

وَالسَّالِم (فرموده بود: «لَا يَعْرِفُ الْحَقَّ بِالرَّجَالِ»؛ با چهره‌ها نمی‌شود حق را تشخیص داد. یک چهره موجه محترم است، مورد قبول است، مورد تکریم است؛ اما او نمی‌تواند شاخص حق باشد. گاهی چهره موجهی مثل بعضی از صحابه پیغمبر، راه را عوضی می‌روند، اشتباه می‌کنند. باید حق را شناخت، باید راه را تشخیص داد تا بفهمیم این شخص حق است یا باطل. هر که از این راه رفت، حق است؛ هر که از راه حق نرفت، مردود است. حق را باید شناخت»^۱).



در حقیقت فتنه‌ای که رهبری از آن یاد می‌کردند، ریشه در انحرافی داشت که آنان از مسیر نورانی اسلام و انقلاب پیدا کرده بودند. انحراف‌هایی که متأثر از رها کردن منابع اصیل اسلام، مطالعه کتب الحادی و التقاطی و چشیدن چرب و شیرین دنیا و ظهور برخی از لجاجت‌ها و کینه‌ها بود، همه نشان از عدم تهذیب نفس داشت. تمامی این امور دست به دست هم دادند تا این انحراف به فتنه تبدیل شود و تنها رهبر انقلاب می‌توانست انقلاب را از این انحراف بزرگ نجات بخشد.

جریانی که طی سالیانی از انقلاب با همه منحرفان از امام و انقلاب ائتلاف کرده و حاضر نبودند حتی مطالبه رهبری را در جدا کردن صف خود از طبله‌ها و رقاصه‌ها و ضد انقلاب جدا

التقاطی و چشیدن چرب و شیرین دنیا و ظهور برخی از لجاجت‌ها و کینه‌ها بود، همه نشان از عدم تهذیب نفس داشت. تمامی این امور دست به دست هم دادند تا این انحراف به فتنه تبدیل شود و تنها رهبر انقلاب می‌توانست انقلاب را از این انحراف بزرگ نجات بخشد.

در شرایط فتنه، بر اثر گسترش انحراف‌ها و پیچیدگی آن، فضای جامعه به گونه‌ای مه‌آلود می‌شود که تشخیص حق از باطل بسیار مشکل است. حتی گاهی اوضاع آن قدر تیره می‌شود که شخصیتی مانند امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز برای مردم قابل شناسایی نیست. در این میان علمای دین و خواص که دارای بصیرت لازم از اسلام و مسائل جاری می‌باشند، می‌توانند رگه‌های باطل را در میان انبوهی از عقاید و حرکات درست و غلط، تشخیص دهند و شاخص مناسبی برای مردم باشند، اما با این وجود برخی خواسته یا ناخواسته به دلیل بی‌بصیرتی، خود مسیر را گم می‌کنند و نمی‌توانند ملاک حق شوند؛ از این رو صرف این که فلان شخص سابقه و مواضع درخشانی قبل از این فتنه‌ها داشته، نمی‌تواند معیار حق شود. متأسفانه در دوران فتنه، حق زیر سایه سابقه و جایگاه این افراد در ابهام فرو می‌رود و موجب انحراف در جامعه می‌شود.

از این روی در فتنه ۸۸ برای بسیاری از افکار عمومی؛ به ویژه کسانی که به افرادی رأی داده بودند که بعد از انتخابات به عنوان معترض رودرروی نظام ایستاده و به صورت نظام اسلامی چنگ می‌زدند، باورپذیر نبود که در مقام معارضه با آن‌ها قرار گیرند؛ زیرا مبارزات قبل از انقلاب و تلاش‌ها و جان‌فشانی آن‌ها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سابقه خوبی از آن‌ها در افکار عمومی به جا گذاشته بود. این وضعیت مقداری اوضاع را بحرانی‌تر می‌کرد. در این رابطه مقام معظم رهبری به استناد کلام حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند:

«...هما/نظور که امیرالمؤمنین (علیه الصلاة

بعد از این که فضای جامعه شفاف شد و بسیاری از ابهام‌ها برای بیشتر جامعه اعم از عوام و خواص روشن شد، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اقداماتی انجام دادند تا به سبب آن کسانی که ریزش کرده و در جمع فتنه‌گران قرار گرفته و سکوت کرده بودند، بتوانند به جمع نظام و مردم برگردند. می‌توان گفت مهم‌ترین رویکرد مقطع ۲۹ خرداد تا حادثه عاشورا، اتمام حجت حداکثری در میان کسانی بود که مغفول انحرافات از مسیر امام و انقلاب شده بودند. این مرحله از زمان را می‌توان «جنگ احزاب منحرفان» نام نهاد و این رهبری انقلاب بودند که این فتنه را مهار و با تکیه بر خداوند و مدیریتی پیامبرگونه، حزب‌الله را پیروز میدان نمایند.

نتیجه

محور اصلی حرکت جریان فتنه بعد از انتخابات، به عقب راندن نظام در مواضع اصولی آن بود. دشمن برای عملیاتی کردن طرح خود، رهبر انقلاب را هدف مرکزی این راهبرد قرار داده بود، اما ایستادگی رهبری و قاطعیت ایشان با همه فشارها، جریان فتنه را در مقاطع گوناگون کاملاً مأیوس کرد. شاید بتوان گفت که اوج هنرمندی رهبری، مدیریت بحران چند لایه‌ای بود که هر کدام از این لایه‌ها شاید برای از نفس انداختن نظام کفایت می‌کرد. در روزهای ابتدایی بعد از انتخابات، دشمن بر اساس برنامه‌ریزی، هماهنگی و تلاش‌های حساب شده‌ای که انجام داده بود، سعی داشت در جریان فتنه، به وسیله فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا به نتیجه برسد و کار نظام را تمام کند؛ اما مقام معظم رهبری با بینش عمیق سیاسی و توان مدیریتی بی‌نظیر، توطئه‌های آن‌ها را خنثی کردند. ایشان با مدیریت احساس و اندیشه و قلوب مردم و نیز قدرت اعجاب‌انگیز در تحلیل دشوارترین رویدادهای مهم سیاسی جهان، فراخ‌نگری و سعه‌صدر، نفوذ کلام، قدرت تصمیم‌گیری در شرایط بسیار دشوار و بحرانی، به خوبی توانستند این بحران را

**عدم تبری سران
جریان فتنه از دشمن و
رسانه‌های ماهوارهای
آن‌ها مانند بی.بی.سی
فارسی، موقعیت مهمی در
اختیار آن‌ها قرار داده بود
تا در بخش‌هایی از جامعه
و مردم کسب اعتبار و
اعتماد کنند. این عدم
مرزبندی به ویژه خواص
با دشمن، موجب پیچیدگی
فتنه شد. در چنین
شرایطی، هدایت جامعه و
نظام قدری سخت بود.**



مهار کنند. رهبر معظم انقلاب اسلامی با روشن‌گری و افشاگری که همیشه در مقاطع مختلف به ویژه طی روزهای بعد از انتخابات ۸۸ داشتند، فعالیت دشمنان را کم‌رنگ کرده و به صورت محدودتر ادامه پیدا کرد.

ایشان با گفتمان‌سازی و روشن‌گری در خطبه‌های نماز جمعه ۲۹ خرداد ۸۸ و سخنرانی‌ها و اتمام حجت‌های بعد از

آن، غبارها را از جامعه زدودند و مردم را متوجه جریان فتنه کردند. این تدبیر معظم‌له به گونه‌ای بود که مردم در حوادث روزهای بعد مانند روز قدس، ۱۳ آبان، ۱۶ آذر، عاشورا و تاسوعا و... به صحنه آمدند و این حرکت، نقطه یأس دشمنان شد. آن‌ها وقتی خروج میلیونی امت حزب‌الله را بعد از حادثه تلخ روز عاشورا و راهپیمایی ۹ دی تا ۲۲ بهمن دیدند، متوجه شدند نمی‌توان کوچک‌ترین خدشه‌ای به این نظام وارد کرد و به همین دلیل دیگر از خواسته و محور اصلی خود که براندازی نظام بود، تنزل کرده بودند. هر چند بعد از آن برخی چانه‌زنی‌ها از سوی جریان فتنه به شکل‌های گوناگون مکتوب و شفاهی به منظور تنزل نظام و رهبری از مواضع اصولی صورت پذیرفت، اما همه این تلاش‌ها در برابر قاطعیت رهبری ناکام ماند. نهایتاً روز ۲۲ بهمن نقطه پایانی استراتژی فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا در جریان فتنه شد.

در پایان ذکر دو نکته لازم است؛ یکی این که اگر برخی عناصر سیاسی به ویژه بعضی خواص در جریان فتنه دقت می‌کردند، می‌دیدند که علم فتنه‌گران همان علم منافقان بود. نکته دیگر این که بینش عمیق سیاسی، توان مدیریتی بی‌نظیر، قدرت اعجاب‌انگیز در تحلیل دشوارترین رویدادهای مهم سیاسی جهان، فراخ‌نگری و سعه‌صدر، نفوذ کلام، قدرت تصمیم‌گیری در شرایط بسیار دشوار و بحرانی؛ از حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای، رهبری خردمند، حکیم و فرزانه و محوری قابل اعتماد و اتکا در بحران‌ها و لحظه‌های سرنوشت‌ساز در جهان ساخته است و دشمنان انقلاب اسلامی چه بخواهند یا نخواهند، ناگزیر به پذیرش این واقعیت غیر قابل انکار هستند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مقام معظم رهبری در جمع وزیر کشور، معاونان، مشاوران و استانداران، ۱۹ خرداد ۱۳۸۸.
۲. بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم، ۲ آبان ۱۳۸۹.